

شعر انتظار

بتی که راز جمالش هنوز سر بسته است
 به غارت دل سوداییان کمر بسته است
 عبیر مهر، به یلدای طره پیچیده است
 میان لطف، به طول کرشمه بر بسته است
 بر آن بهشت مجسم دلی که ره برده است
 در مشاهده بر منظر دگر بسته است
 زهی تمّوج نوری که بی غبار صدف
 میان موج خطر، نطفه گهر بسته است
 بیا که مردمک چشم عاشقان همه شب
 میان به سلسله اشک، تا سحر بسته است
 به پای بوس جمالت نگاه منتظران
 ز برگ برگ شقایق، پل نظر بسته است
 امید روشن مستضعفان خاک توئی
 اگر چه گرد خودی، چشم خودنگر بسته است
 هزار سد ضلالت شکسته ایم و کنون
 قوام ما به ظهور تو منتظر بسته است
 متاب روی ز شگبیر، اشک بی تا بم
 که آه سوخته، میثاق با اثر بسته است
 به یازده خم می گر چه دست ما نرسید
 بده پیاله که یک خم هنوز سر بسته است
 زمینه ساز ظهورند، شاهدان شهید
 اگر چه هجرتشان داغ بر جگر بسته است
 کرامتی که ز خون شهید می جوشد
 هزار دست دعا را ز پشت سر بسته است
 قسم به اوج، که پرواز سرخ خواهیم کرد
 درین میانه مرا گر چه بال و پر بسته است
 چنان وزیده به روح نسیم دیدارت
 که گوش منتظرم چشم از خبر بسته است
 درین رسالت خونین بخوان حدیث بلوغ
 که چشم و گوش حریفان همسفر، بسته است
 رواست سر به بیابان نهند منتظران
 که باغ وصل تو را عمر رفت و در بسته است
 به پیشواز تو هر جاده ای به راه افتاد
 ولی دریغ که دروازه گذر بسته است
 دل شکسته و طبع خیال بند «فرید»
 به اقتدای شرف قامت هنر بسته است

قادر طهماسبی (فرید)

کارم شد دست کار به کارت نداشتن
 خود را غریبه وار کنارت نداشتن
 تنها درون خاطره هامان قدم زدن
 جایی میان دار و نداشت نداشتن
 آهوی من بچرخ که تقدیر من شده است
 انگیزه های برای شکار نداشتن
 با آسمان رفاقت دیرینه داشتن
 مشتکی ستاره در شب تارت نداشتن
 در گیر روزهای زمستانی ات شدن
 چشمی به آفتاب بهارت نداشتن
 آهوی من بچرخ، رها بین دشت ها
 کارم شد دست کار به کارت نداشتن

فاطمه رمضان نیا

بشت خط

شعر مثل باران است
 شعر اجتماعی، شعر عاشقانه، شعر عرفانی، شعر فلسفی و ... از این اسم ها
 خیلی شنیده ایم. اما باید بگوییم که شعر، این گونه نیست که بتوانیم به راحتی
 تقسیم بندی اش کنیم.
 شعرهای خوب، بیرون از ذهن ما و فراتر از موضوع و مناسب خاص، موجودیت
 مستقل دارند. همان طور که مثلاً باران، واقعیت دارد و هر کسی بنا بر احوال و
 اندیشه خود از آن برداشتی دارد.
 شعر باران رحمت الهی است، گریه آسمان است، آبیاری گل هاست، بیک
 خوش خبر بهاری است و هر چیز دیگری است که ما دوست داریم باشد.
 اینکه گفته اند شعر، یک معنا و موضوع مشخص و قطعی ندارد البته بهانه ای
 نیست برای آنکه هر متن بی معنا و بی سررشته را، به عنوان شعر بپذیریم. اما به این
 معناست که شعر، کلامی است که قابلیت تأویل و تفسیر دارد.
 همچنین این هم خطاست که از خودمان معنای نادرست و من درآوردی به
 شعر تحمیل کنیم. مانند این که یک بار در هفته دولت، در بعضی شهرها، روی
 پرده های تبلیغاتی نوشته بودند: دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم.
 در حالی که «دولت» در این معنا، یعنی قوه مجریه معنای جدید است و پس از
 دوران مشروطه رایج شده و پیش از آن، دولت فقط به معنای ثروت و مکننت به
 کار می رفته است و طبیعی است که در آن بیت از مولوی هم که از قرن هفتم
 است، به معنای قوه مجریه قرن هفتم از حزب عاشقان نیست.

اسماعیل امینی

جریان شناسی شعر معاصر (۸)

در ادامه معرفی ۷ جریان شعر معاصر
 (پیشانیمایی، نیمایی، پسانیمایی، موج
 نو، سسپید، حجم و موج ناب) در این
 شماره به اجمال به جریان شعر چریکی
 پرداخته می شود.
 شعر چریکی در حقیقت، نمایش
 ذهنی ادبیات سیاسی - نظامی در دهه
 چهل است که با عبور اعتراضی بر شعر
 رمانتیک تیره نیمه اول دهه سی و شعر
 نمادین نیمه دوم دهه سی وارد ادبیات
 می شود.
 جریانی که با نگاهی به آوانگارد غربی،
 بر پیچیدگی های زبانی و بی التزامی شعر
 قبل از خود می تازد تا دوشادوش توده
 مردم به ویژه قهرمانان حرکت کند.
 این جریان که نسبت به ادبیات پیش
 از خود و حاکمیت سیاسی و قدرتمندان
 عصر خود وجه تخریبی داشت، مبارزه و
 تهییج خلق را بر شعریت و زبان و زیبایی
 کلام ترجیح می داد. به همین جهت
 به کارگیری واژه هایی چون: خون، تفنگ،

زندان، اسلحه، مرگ و ... در شعر آن ها
 بسامد قابل توجهی دارد.
 نکته دیگر، شاعران این جریان یا
 قهرمان پروری می کردند یا دنبال قهرمان
 سازی بودند تا از این روش هم فضای
 بسته سیاسی را بشکنند و هم احساسات
 خلق را برانگیزند؛ به عنوان نمونه نهضت
 سیاهکل و غرق شدن صمد بهرنگی و
 دیگر اتفاقات به نوعی کمک حالشان
 می شد.

چهره های مطرح تر این جریان سیاوش
 کسرای، سعید سلطان پور و گل سرخی
 بودند که اعتراض و تخریب و همچنین
 علم کردن قهرمانان جهت تهییج و
 بیداری توده خلق و همچنین زبان
 شبه حماسی از اصلی ترین شاخصه های
 شعری آن ها بود.

این جریان تا سال ۵۷ نیز طرفدارانی
 داشت اما با پیروزی انقلاب اسلامی دیگر
 کار کرد خود را از دست داد.

علی آبان

تفاهم

پزشکان اصطلاحاتی دارند
که ما نمی فهمیم
ما دردهایی داریم که آن‌ها نمی فهمند
خوش به حال دامپزشکان!

موش‌ها

دیوار برلین که فروریخت
من آن‌جا بودم
بولدزرها به سنگ می کوفتند
لودرچی‌ها ... به کمپرسی ...
موش‌ها، با گوش‌های اتو کشیده
چه احمقانه
می‌دویدند!

اکبر اکسیر
دبیر بازنشسته ادبیات

در کارگاه‌های لوستر سازی
قطره‌های شبنم را می‌گیرند
و می‌خشکانند...

بعد
ما آن‌ها را به خانه می‌آوریم
و به سقف می‌آویزیم
و گل‌های مصنوعی آنقدر سرشان را بالا
می‌گیرند
که خشک شوند ...

ستاره ربیعی

نذر امام رضا (ع)

... و بست بقچه خود را که بار چندم بود
مسافری که بلیطش دو کاسه گندم بود
-همان که زائر هر ساله‌اش لقب دادند
غریبه‌ای که دلش موجی از تلاطم بود-
غروب و جاده و شوقی که منتهی می‌شد
به سمت گنبد نوری که در خدا گم بود
کبوترانه دلش پر گشود، گرد حرم
و دستهایش پر از خواهش ترحم بود
رسید و چشم به گلدسته‌های صحن انداخت
و باورش نشد انگار، یک توهم بود
دلش گره زده شد با ضریح فولادی
و زیر لب چه غریبانه در تکلم بود
به سجده برد دلش را، دلی که حاجت او
شفای دختر دردانه‌اش «ترنم» بود
سه روز بود که نقاره‌ای خبر ندید
کلید این همه قفل آرزوی مردم بود
چقدر ثانیه‌ها بی تفاوتند آقا
و مرد بی‌خبر از آنکه روز سوم بود
سه روز شد که دلش را دخیل بسته ولی ...
هنوز تشنه لطف امام هشتم بود

حسین عبدی

معرفی کتاب آموزش ویراستاری و درست‌نویسی

مؤلف: حسن ذوالفقاری
ناشر و محل نشر: نشر علمی تهران
سال انتشار: ۱۳۹۴
تعداد صفحات: ۵۱۸
بها: ۳۶۵۰۰۰ ریال

مفیدند و بعضی غیرمفید؛ اما از آنجا که
درست‌نویسی و ویرایش دامنه‌ای بس
گسترده دارد؛ هیچ کتابی در این زمینه
جامع و مانع نیست.
کتاب «آموزش ویراستاری و درست‌نویسی»
از آثاری است که می‌تواند به ویراستاران
کمک‌های شایانی کند. این کتاب در
دو بخش اصلی ویرایش فنی و ویرایش
ساختاری زبانی تنظیم شده است. این کتاب
می‌تواند شما را مباحثی چون نشانه‌گذاری،
شیوه خط فارسی، آوانگاری خطاهای
واژگانی، خطاهای دستوری و ... آشنا کند.

خواندن این کتاب را به کسانی که
می‌خواهند درست بنویسند و خطاهای
رایج به نوشته‌هایشان راه نیابد، توصیه
می‌کنیم.

مؤلف: حسن ذوالفقاری
ناشر و محل نشر: نشر علمی تهران
سال انتشار: ۱۳۹۴
تعداد صفحات: ۵۱۸
بها: ۳۶۵۰۰۰ ریال
درست است که «درست‌نویسی» و به
تبع آن «ویرایش» نوشته دیگران جز
با خواندن و بسیار خواندن آثار بزرگ
ادب در ذهن و زبان ما شکل نمی‌گیرد؛
اما همیشه بعضی از نویسندگان تلاش
کرده‌اند تا تجربیات خود را در این زمینه
طبقه‌بندی کنند و در اختیار دیگران قرار
دهند. ویرایش و درست‌نویسی در روزگار
ما آنقدر اهمیت یافته است که نویسندگان
علاقه‌مند تا به حال کتاب‌های زیادی در
این باب نوشته‌اند. بعضی از این کتاب‌ها

